

صحيفة الحسن عليه السلام

[307] زودي پيمان‌ش را شکست و به جاهليت بازگشت، و علی علیه السلام که در پاره پیکر پیامبر بود را فریب داد و مردم را گمراه کرد، و چون در معرکه جنگ با یورش پیشتازان لشکر روبرو شد، و دندان تیز جنگاوران پیکرش را در هم فشرد، جان‌ش را بی جهت از دست داد، و بدون هیچ یاوری به خاک افتاد، و تو به اسیری گرفتار شدی، خسته و مجروح و کوفته، پایمال سم ستوران و ناتوان از یورش سواران، و چون مالک اشتر تو را به حضور امام آورد، آب دهانت خشکیده بود و بر پاشنه می چرخیدی، همچون سگی که از شیران هراسیده و فراری باشد. وای بر تو، این مائیم که روشنی بخش جهانیم و امت مسلمان به ما فخر می کند و کلیدهای اراده و ایمان بدست ماست، اکنون تو به ما حمله می کنی؟ تو هستی که زنان را فریب می دهی بر فرزندان پیامبران فخر می فروشی؟ سخنان ما را که مردم می پذیرفتند تو و پدرت رد می کنید. مردم با اشتیاق و اجارا دین جدم را پذیرفتند، و بعد که با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کردند طلحه و زبیر از بین آنها پیمان را شکستند و همسر پیامبر را فریب دادند و به جنگ با پدرم برخاستند، و کشته شدند، و تو را به اسارت نزد علی علیه السلام آوردند و او از گناهت درگذشت و خویشاوندیت را رعایت کرد و ترا نکشت و بخشید، بنابراین تو آزاد شده پدر من هستی، و من آقای تو و پدرت هستم، اکنون سنگینی گناهت را احساس کن.
